



در یک تحلیل علمی،
اندیشمندان مسلمان معتقدند که دین
در حد عمل، دارای دو مفهوم
متمایز است:

اول، مفهومی که در رسالات
الهی تجسم یافته است.

ودوم، مفهوم خیالی، که انسان
به اقتضای تمایلات درونی و
اندیشه های سیاسی، بر آن نام دین
نهاده است.

تاریخ بشر گویای این حقیقت
است که عارضه انحراف موجب
گردیده است تا واژه دین، بیش از
هر چیز دیگر، مورد تهاجم قرار
گیرد و یا برداشتهای متفاوت، گاه
واقع غیر از آنچه هست جلوه کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

قرآن

و

تأثیر وضع مادی جامعه بر اخلاق و رفتار

دکتر محمد ناصری

در این شرایط تنها راهی که می تواند از هرگونه انحراف و اعمال نظر جلوگیری کند، همان مراجعه و بازگشت به قرآن است، چه آنکه قرآن، قانون اساسی اسلام، منبع جاویدان احکام الهی و محور اندیشه های آسمانی این آئین و دین است.

مستشرقین و محققین منصف باید در تحقیق اهداف و بررسی بینش و ایده های اسلامی، قرآن را ملاک و مأخذ گیرند و در شرح و بسط افکار این مکتب، آن را مبدأ قرار دهند، زیرا در جهان تحقیق و تتبع، خط و ممشی هر حزب و مسلکی را باید در اساسنامه و مراننامه اش جستجو نمود و با برداشت صحیح، راه و رسم آن را مشخص کرد.

از دیدگاه قرآن، مادیات وسیله اند نه هدف؛ اما وسیله ای که حتی در نیل به اهداف عالی و نشر فضائل اخلاقی نقش قاطع و مؤثر دارند. دستورات اسلام در راه کسب مال و استفاده از کلیه مواهب طبیعی در کمال وضوح است و این قرآن مجید است که در نهایت صراحت می فرماید:

وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ
وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِن
كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ
فَإِنَّ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ لَا يَحْسَبُنَهُ
الْمُفْسِدِينَ^۱

از آنچه خداوند به تو عطا کرده است، برای سعادت اخروی بهره برداری کن، سهم و نصیب خود را از نعمتهای دنیا فراموش مکن. به خلق خدا نیکی کن، چنان که خداوند به تو نیکی کرده است. در روی زمین فساد انگیزی مکن که خداوند مفسدان را دوست ندارد.

این آیه شریفه، شامل چهار بخش به شرح زیر است:

بخش اول، تذکار است به اینکه مال و ثروت از نظر اسلام وسیله اند نه هدف، اما وسیله ای برای رفع نیازهای مادی و نیل به اهداف عالی انسانی و سعادت اخروی از طریق انفاق مال، به صورت کمک به گرفتاران و صرف در راه خدا که در نتیجه در راه خدمت به مردم است.

بخش دوم، مشعر به آن است که خداوند، نعمتهای گوناگون خویش را برای بندگانش آفریده و برای هر انسانی در آنها بهره و سهمی قرار داده است.

اسلام با هرگونه رهبانیت و ترك دنیا مخالف است، از این جهت است که به کوهه بینان و کج فکران می گوید: سهم و بهره ات را از نعمتهای دنیا فراموش مکن، و بی جهت آنها را بر خود حرام مگردان، که این سهم و نصیب، در همه نعمتهای خدادادی جهان است، نه در تعدادی محدود از آن.

زهد فروشان ریاکار، بر این پندارند که چشم پوشی از نعمت های حلال خدا موجب

رستگاری و وسیله تقرب به درگاه حضرت احدیت است، غافل از آن که تنها وسیله رستگاری فقط اطاعت از اوامر و پرهیز از نواهی الهی است، قرآن کریم با لحن تندی با آنها که زینتها و روزیهای مشروع او را بر خود حرام کرده اند، چنین سخن می گوید:

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ^۲

بگو چه کسی، زینت های خداوند را که برای بندگانش آفریده، و روزیهای حلال و پاکیزه او را بر خود یا دیگران حرام ساخته است.

پروردگار عالم، بر سفره احسان خویش، هرگونه غذا و زینتی را چیده و از بندگانش خواسته است تا در حد اعتدال نه افراط و نه تفریط از آنها بهره گیرند و استفاده برند.

كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ^۳

بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خدا اسرافکاران را دوست ندارد.

چنانکه اشاره شد، گروهی با پندار نادرست خود، پرهیز از غذا و نعمتهای گوناگون خدا را، نشانه قدس و پارسایی و مایه قرب به پروردگار می دانند، در صورتی که اگر ترك نعمتهای پروردگار موجب تقرب می شد، خالق جهان آنها را نمی آفرید بنابر این در نظام آفرینش بین دستگاه خلقت و دستورات دینی، تضادی نیست.

در بخش سوم، توصیه به آن است که نعمتهای خدا را تنها برای خود مხოوه و راه و رسم انسانی و شیوه محبت و تعاون را از یاد مبر، به خلق خدا نیکی کن، چنان که خدا به تو نیکی کرده است.

در بخش چهارم، هشدار می‌دهد که در روزگار قدرت و مکنّت، حدّ خود را رعایت نکرده و در سایه مال و ثروت، راه فساد و تباهی پیش گرفته و در دریای شهوات و مادیات غرق شده و فضائل

تنها راهی که می‌تواند از هرگونه انحراف و اعمال نظر جلوگیری کند، همان مراجعه و بازگشت به قرآن است، چه آنکه قرآن، قانون اساسی اسلام، منبع جاویدان احکام الهی و محور اندیشه‌های آسمانی این آئین و دین است.

اخلاقی و آداب انسانی را بکلی از یاد برده‌اند، و راه تجاوز و شرارت را کار و پیشه خویش ساخته‌اند.

و این تذکّاری است که در روزگار مکنّت و وفور نعمت بدمستی نکنید و از مرز تعادل، پا بیرون ننهید و راه فساد و تباهی را پیش نگیرید که خدا از مفسدان بیزار است.

اسلام، مردم را به تأمین زندگی و تلاش در راه معاش تشویق می‌کند و فعالیت را می‌ستاید. قرآن در این باره می‌گوید:

وان لیس للإنسان إلا ما سعی^۴
بهره هر انسانی از مرادب عالم به قدر کوشش و تلاش اوست.

یک مسلمان از تنبلی و تن پروری نفرت دارد و حتی در امر آخرت، دنیا را به عنوان وسیله می‌ستاید، امام علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

نعم العون الدنیا علی طلب الآخرة^۵

در جستجوی آخرت، دنیا کمک و یار و خوبی است.

و جمله منسوب به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم «الفقر فخری» (کمبود و فقر برایم مایه مباهات است) در صورت صحت سند و صدور آن از ناحیه آن حضرت، مشعر بر فقر معنوی است، نه فقر مادی، چه آنکه قرآن مجید می‌فرماید:

المال والبنون زینة الحیاة الدنیا^۶
مال و ثروت و اولاد و فرزند، زیب و وزینت زندگی دنیا می‌باشند.

و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در تمجید از ثروت و مال می‌فرماید:

نعم العون علی تقوی الله الغنی^۷
مال داری و بی نیازی چه نیکو باوری بر تقوا و پرهیزگاری است.

پوشیده نیست همان گونه که روایاتی در ذم فقر و تهیدستی در کتب مختلف مذکور است، روایاتی نیز در مدح فقر وارد شده است، لکن در توجیه و یا وجه جمع آنها علما گفته‌اند:

فقر مذموم همان فقر مادی و کمبود نیازهای زندگی است، اما آن فقری که موجب سربلندی و افتخار و مباهات می‌باشد، آن فقر معنوی و نیازهای توحیدی است که هر انسانی محتاج به عنایت و الطاف ذات مقدس پروردگار است و به اصطلاح معروف، فقر الی الله، می‌باشد.^۸

بنابراین، مراد از فقر مذموم، قطعاً همان فقر مادی است که صدها گرفتاری و ناراحتی را به دنبال دارد و هر بشر تهیدست و وضعیفی را به ارتکاب انواع معاصی و گناه وا می‌دارد، و سرانجام، به قول امام ششم علیه السلام انسان را به کفر و انحراف نزدیک می‌کند.

عن الصادق علیه السلام: کاد الفقر ان یکون کفرا^۹

این نظیر همان فقری است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آن را

مرگ اکبر و بزرگتر می خواند،
و درباره اش می فرماید:

الفقر الموت الأكبر^{۱۰}

یعنی که ناراحتی مرگ، کمتر از
ناراحتی فقر و تهیدستی است، چه
آنکه ناراحتی مرگ یکبار است ولی
ناراحتی و فشار فقر و تهیدستی، هر
روز و ششبی، همیشه در تکرار
می باشد.

امیر مؤمنان حضرت علی
علیه السلام، در یکی از وصایایش، به
فرزندش محمد حنفیه می فرماید:
یا بنی! اخاف علیک الفقر
فاستعد بالله، فإن الفقر منقصة
للدین مدهشة للعقل داعية للمقت^{۱۱}
ای پسر من، بر تو از تنگدستی
می ترسم، پس از شرفقر به خدا پناه
ببر که فقر و تهیدستی، در دین و آیین
انسان خلل وارد می کند و موجب
حیرت و سرگردانی عقل می گردد و در
بین مردم ایجاد عناد می نماید.

زاهد نمایی متظاهر، در حضور
مولای متقیان، به نکوهش از دنیا
زبان گشود، بدان امید و انتظار که
فوراً پندار و گفتارش، مورد تأیید
و تحسین قرار می گیرد، اما
برخلاف انتظار، امام در جوابش،
بیاناتی به این شرح ایراد فرمود:

ای نکوهشگر دنیا! این توهستی
که فریب دنیا را می خوری و گرنه
دنیا تو را فریب نمی دهد. تو بردنیا
جنایت کرده ای، دنیا بر تو جنایت
نکرده است. از کجا و چه وقت،

دنیا تو را سرگردان نموده، یاکی
فریبت داده است؟ دنیا سرای راستی
است برای کسی که آن را باور
دارد، و خانه عافیت است برای کسی
که آن را درک می کند. و جایگاه
توانگری است برای کسی که بتواند
از آن توشه و ذخیره بردارد. و جای
پند است برای کسی که از آن پند
گیرد. دنیا، معبد دوستان الهی،
مصلاهی فرشتگان و محل نزول
وحی خداست.

دنیا، جای بازرگانی دوستان
خداست که در آن فضل و رحمت
الهی را می جویند و از طریق دنیا، به
نصیب آخرت می رسند.^{۱۲}
این دنیا است که انواع نعمتهای
الهی را برای بندگانش در بردارد:
ألم تروا أن الله سخر لكم ما فی
السّموات وما فی الأرض وأسبغ
علیکم نعمه ظاهرةً وباطنة^{۱۳}

آیا مشاهده نمی کنید که خداوند انواع
موجوداتی را که در آسمانها و زمین است برای
شما مسخر ساخته، و نعمتهای آشکار و پنهان
خود را برای شما فراوان نموده است.

و از تمام این نعمتها، اسباب
معیشت و زندگی او را برای رفع
نیازمندیهای عادی فراهم ساخته
است.

ولقد مکنکم فی الأرض وجعلنا
لکم فیها معایش قلیلاً ما تشکرون^{۱۴}
براستی، ما به شما در روی زمین جای
دادیم و شما را تسلط و تمکن بخشیدیم و در روی
زمین برایتان اسباب معیشت مهیا ساختیم، اما

شما کم سپاس می گزارید.

سپس دستور می دهد، از این
نعمتها، برای رفع نیازها استفاده
کنید، اما راه طغیان در پیش
مگیرید.

کلوا من طیّبات ما رزقناکم ولا
تطغوا فیہ^{۱۵}

از چیزهای پاک که روزی شما کرده ایم
بخورید، و در رزق الهی طغیان موزید.

در تفسیر جمله 'ولا تطغوا فیہ'
گفته اند: یعنی روزی حلال خدا را
به صورت حرام مصرف نکنید.^{۱۶}
مولای متقیان، حضرت
علی علیه السلام از نعمتها و نعمتهای
زندگی بدین گونه تعبیر می کند:

ألا وأنّ من البلاء الفاقة وأشدّ من مرض
الفاقة مرض البدن وأشدّ من مرض
البدن مرض القلب، الا وان من
النعم سعة المال وافضل من سعة
المال صحة البدن وافضل من صحة
البدن تقوی القلب.^{۱۷}

آگاه باشید که فقر و فاقه
و تنگدستی، از گرفتاریهای نکبت بار
زندگی است، لکن بدتر از آن،
بیماریهای جسمی، بدتر از آن،
بیماریهای روحی و معنوی است. آگاه
باشید، که کثرت مال و وفور ثروت از
نعمتهای خداوند متعال می باشد.
لکن سلامتی و صحت بدن، از آن
برتر، و تقوی و پاکبازی قلب از آن بهتر
است.

پس دنیا و نعمتهایش را نباید
نکوهش کرد، آنچه شایسته

نکوهش است دنیا پرستی است، تا حدی که دنیا و دنیا داری هدف نهایی قرار گیرد و انسان را از جهان معنویت باز دارد. تا حدی که بر اثر افراط در مادیات، از رشد و پرورش ابعاد معنوی جلوگیری شود و به خاطر عشق به مال و ثروت، روح انسانی، فدای امیال شیطانی و شهوانی گردد.

پیغمبر مکرم اسلام *صلی الله علیه و آله وسلم* در مدح علم و مال و در ذم فقر و جهل، می فرماید:

العالم والمال یستران کل عیب،
والجهل والفقر یکشفان کل عیب. ۱۸

علم و ثروت هر عیبی را می پوشاند و جهل و فقر، هر عیبی را نمایان می کند.

علم و دانش، مال و ثروت، موجب اعتلا و سلطه کشورهای مقتدر جهان گردیده است و از نظر پیشرفتهای علمی آنها را به اوج افلاک رسانیده است. از آثار علم و از برکات مال و ثروت، هر گونه امکانات رفاهی برای ملت‌های متعمم فراهم گردیده، فقر و درماندگی و امراض و بیماری از میانشان رخت بر بسته است، اما جهل و نادانی، فقر و تهیدستی در کشورهای محروم جهان، چنان سایه شوم خود را بر سر مردم گسترده است که شهد زندگی را در کام آنها تبدیل به شرنگ نموده است.

در بیان پر محتوای رسول گرامی

اسلام *صلی الله علیه و آله وسلم* علم بر مال مقدم آمده است، که گویا مال از برکات علم و فقر از توابع سوء جهل است. آری جهل!، این جهل است که ملت‌های محروم را در وادی فقر، حیران و سرگردان رها نموده و تحمل هر گونه رنج و بدبختی را بر آنان آسان کرده است.

جهل عمومی پیشتیبان استعمارگران و استکبار جهانی است، آنها در راه نیل به اهداف پلید خود اصرار دارند تا توده‌های محروم را در نا آگاهی و بی اطلاعی نگهدارند و آنها را چون برده‌های بی اراده در اختیار خویش داشته باشند. می کوشند تا مردم را با وضع موجود دلخوش دارند و از هر گونه تلاش، در جهت سازندگی و پیشرفت باز داشته و با یک سلسله افکار موهوم، که ساخته و پرداخته دشمنان اسلام است، سرگرم سازند.

اسلام، دنیا را مزرعه آخرت می داند، تحصیل مال مشروع را عبادت می شمارد و پیروانش را به استفاده از مواهب طبیعی دعوت می کند. اما استعمارگران و اذئاب آنها می کوشند، خلاف آن را در بین توده‌های عامی نشر دهند، و مردم را نسبت به زندگی مادی بی علاقه سازند، تا تحت این عنوان، از مواهب زندگی چشم پوشی کنند و زمینه را برای سلطه سود جویان

و استعمار کنندگان فراهم نمایند که در طول تاریخ، این رشته سری دراز دارد.

اینان کوشیده اند تا دستورات اسلام را در جهت زندگی مادی، به عکس جلوه دهند و آن را آیین دور از

در بیان پر محتوای رسول گرامی اسلام *صلی الله علیه و آله وسلم* علم بر مال مقدم آمده است، که گویا مال از برکات علم و فقر از توابع سوء جهل است. آری جهل!، این جهل است که ملت‌های محروم را در وادی فقر، حیران و سرگردان رها نموده و تحمل هر گونه رنج و بدبختی را بر آنان آسان کرده است.

از دیدگاه قرآن، مادیات وسیله اند نه هدف؛ اما وسیله ای که حتی در نیل به اهداف عالی و نشر فضائل اخلاقی نقش قاطع و مؤثر دارند.

مسائل اقتصادی تبلیغ کنند، تا مردم نا آگاه دست از کار و تلاش و کوشش بردارند و هرگز در فکر ذخایر و منابع طبیعی و سرمایه های خدادادی نباشند و آنچه دارند، در طبق اخلاص تقدیم دیگران کنند. ساده لوحان زودباور، بر اثر این تبلیغات شیطانی، یکباره دست از زندگی مادی می شویند، و به جای فعالیت در جهت تأمین زندگی و رفع مشکلات مالی، و شکوفایی امور اقتصادی و سربلندی جامعه اسلامی، یکباره به اصطلاح خود، دنیا را به دنیا داران واگذار می کنند

و سپس برای رفع احتیاج، دست نیاز به سوی دنیا داران و بیگانگان دراز می کنند، در صورتی که قرآن می فرماید:

ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا^{۱۹}

و خدا هیچگاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط و استیلاء باز نخواهد نمود.

و این فکر واهی، محصول اندیشه دشمنان حيله گر، یا دوستان جاهلی است که در طول تاریخ اسلام کوشیده اند مردم را به هر سو که مایلند، برده وار سوق دهند، و آنان را در وادی فقر و نکبت و عقب ماندگی و احتیاج رها سازند، آنهایی که از واژه های اسلامی، نوعاً سوء استفاده کرده، و بر حسب نظر و دلخواه خود به تفسیر و توجیه آنها پرداخته، و گاهی چنان ماهرانه عمل کرده اند که از یک اهرم محرك، یک نیروی مخدر به وجود آورده، و از یک قدرت مثبت، یک عامل منفی تحویل جامعه داده اند.

تأمین زندگی معنوی از نیازهای مادی جدا نیست و از همین رو، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که دنیایش تأمین نیست، آخرتش تأمین نخواهد بود، زیرا نیاز و احتیاج، آدمی را به هر جنایت و خیانتی وامی دارد و فضائل و اخلاق را در نظرش موهوم جلوه می دهد، به اصطلاح معروف، شکم گرسنه کمتر خدا را می شناسد

و آدم در مانده، حال و روز گاری برای درك معنویات ندارد. برای رفع نیاز و حاکمیت فضائل اخلاقی در جامعه، و رفع سلطه بیگانگان، باید به دستورات اسلام، آن چنان که هست عمل شود و همگام با معنویات، دیدگاههای اسلام، در خصوص مادیات و امور اقتصادی و رابطه آن با معنویات تبیین گردد که اسلام را جامعه ای بی نیاز و سربلند و افتخار آمیز، شایسته است نه غیر آن.



- (۱) قصص: ۷۷
- (۲) اعراف: ۳۲
- (۳) اعراف: ۳۱
- (۴) نجم: ۳۹
- (۵) جامع احادیث الشیعه: ج ۱۷، ص ۳۶ - وسائل: ج ۱۲، ص ۱۷
- (۶) کهف: ۲۶
- (۷) وسائل: ج ۱۲، ص ۴۹
- (۸) سفینه: ج ۲، ص ۳۷۸-۳۷۷
- (۹) سفینه: ج ۲، ص ۳۷۹
- (۱۰) نهج البلاغه فی سیرة الاسلام: ص ۱۱۵۶
- (۱۱) مدارك قبل: ص ۱۲۲۸
- (۱۲) نهج البلاغه: حکمت ۱۲۶
- (۱۳) لقمان: ۲۰
- (۱۴) اعراف: ۱۰
- (۱۵) طه: ۸۱
- (۱۶) مجمع البیان: ج ۷، ص ۲۳
- (۱۷) مدارك وسائل: ج ۱، ص ۹۲
- (۱۸) نهج الفصاحة: ص ۲۲۸
- (۱۹) نساء: ۱۳۱